

چرا گزارشگری مالی و گزارشگری حسابداری دولتی با هم متفاوت هستند و باید باشند



ترجمه: دکتر نظام‌الدین رحیمیان
دکترای حسابداری و مدرس دانشگاه
اعظم ولی‌زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

می‌پردازد. در هر زمان، این مسئله وجود دارد که آیا استانداردهای حسابداری جداگانه‌ای برای سایر انواع سازمان‌ها مانند سازمان‌های غیرانتفاعی مورد نیاز است.

سبب استانداردهای گزارشگری مالی و حسابداری برای جداگانه بودن برای دوستانه مورد نیاز است.

یکی از الزامات گزارشگری مالی و حسابداری، تأکید بر نیازهای

کسب سود است. این مقاله، توضیح می‌دهد که چرا استانداردهای جداگانه‌ای برای دولت‌ها مورد نیاز است. همچنین تفاوت بین استانداردهای دولت‌ها و واحدهای تجاری را در طی ۲۰ سال گذشته نشان داده و توضیح می‌دهد که چرا فرایند استانداردگذاری برای دولت‌ها، فرایندی مستمر است.

این مقاله همچنین به مقایسه اهداف عمومی دولت‌ها و واحدهای تجاری

در هر زمان، این سوال مطرح می‌شود که چرا برای اهداف عمومی دولت‌های محلی و ایالتی (که از این به بعد، در این مقاله تحت عنوان دولت بیان می‌شوند) نمی‌توانند به‌سادگی همان مجموعه استانداردهای حسابداری را مورد استفاده قرار دهند که واحدهای تجاری^۱ به‌کار می‌برند. واحدهای تجاری، واحدهای بخش خصوصی هستند که هدف از سازماندهی آنها

استفاده کنندگان گزارش‌های مالی است. شهروندان و نمایندگان منتخب آن‌ها، مانند اعضای قوه مقننه (قانونگذاران) و سایر سازمان‌های نظارتی، به اندازه اعتباردهندگان، از جمله ذی‌نفعان اولیه اطلاعات گزارش‌های مالی دولتی هستند. گزارش‌های مالی واحدهای تجاری معمولاً مورد استفاده اعتباردهندگان، مالکان و قانونگذاران آن‌ها قرار می‌گیرد اما همه شهروندان و نمایندگان منتخب آن‌ها به صورت مساوی از آن‌ها استفاده نمی‌کنند. نیاز شهروندان و سازمان‌های نظارتی بر پاسخ‌گویی دولت در مورد منابع عمومی تاکید دارد و نیاز مالکان سرمایه‌گذار بر اطلاعاتی در مورد سرمایه‌گذاری‌های عقلانی، دادن اعتبار و تصمیمات مشابه تاکید دارد. پاسخ‌گویی^۱ در حالت کلی عبارت از وظیفه مباشرت و نظارت بر ارائه اطلاعات قابل اتکا و مربوط در ارتباط با منابع تحت کنترل است. برای دولت‌ها، پاسخ‌گویی عبارت از مسئولیت دولت در توجیه شهروندان در رابطه با کسب درآمدهای عمومی و نحوه مصرف آن منابع می‌باشد. اطلاعات مربوط به پاسخ‌گویی می‌تواند از تصمیم‌گیری‌ها حمایت کند و همچنین حق دانستن شهروندان را در مورد نحوه مصرف منابع عمومی پاسخ می‌دهد.

اعتباردهندگان یکی از استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی واحدهای تجاری و دولتی هستند. اگرچه آن‌ها معمولاً به دنبال کسب اطمینان از وجود وجوه نقد کافی در آینده جهت پرداخت بدهی‌های

سررسیدشده خود هستند، اما اطلاعات خاصی که آن‌ها در واحدهای تجاری و دولت‌ها جستجو می‌کنند، باهم متفاوت است. زیرا منبع بازپرداخت بدهی آن‌ها تفاوت دارد. اعتباردهندگان و اعتباردهندگان بالقوه واحدهای تجاری، به دنبال اطلاعاتی در مورد نحوه کسب درآمدها هستند. اعتباردهندگان و اعتباردهندگان بالقوه دولت‌ها به دنبال اطلاعاتی در مورد توانایی و تمایل دولت‌ها به وصول مالیات جهت بازپرداخت بدهی، پرداخت هزینه‌ها و تعهدات مربوط هستند.

اگرچه انواع خاصی از اطلاعات مندرج در گزارش‌های مالی واحدهای تجاری قادر به توجیه بعضی از نیازهای استفاده‌کنندگان خاص گزارش‌های مالی دولتی است، لیکن سایر استفاده‌کنندگان به اطلاعات متفاوتی نیاز دارند. تاکید بر پاسخ‌گویی دولت‌ها و منابع گسترده در اختیار آن‌ها منجر به این نتیجه شده است که استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی دولتی به گونه‌ای مطلوب باید قادر به کسب اطلاعات اضافی باشند که بتواند در پاسخ به سؤال‌هایی نظیر سؤالات زیر به آن‌ها کمک کند.

• آیا توانایی دولت در ارائه خدمات نسبت به سال گذشته بهبود یافته یا بدتر شده است؟

• آیا مالیات‌های سال جاری دولت و سایر منابع جهت پوشاندن هزینه خدمات سال جاری کافی بوده است؟ آیا قسمتی از هزینه‌های پرداخت شده برای خدمات سال جاری به پرداخت‌کنندگان مالیات سال آتی تحمیل شده است؟

• اولویت پرداخت‌های دولت بر چه اساسی است؟ کدام یک از منابع برای برنامه‌های مختلف ذخیره شده‌اند؟ آیا منابع به دست آمده و مصرف شده مطابق با بودجه و سایر الزامات قانونی است؟

• کدام یک از منابع جاری جهت مخارج آتی در نظر گرفته شده و این منابع برای چه منظور خاصی ذخیره شده‌اند؟

• آیا دولت خدمات خود را به صورت کارا و مؤثر ارائه می‌کند؟

تفاوت‌های محیطی عمده بین دولت‌ها و واحدهای تجاری

نیازهای متفاوت استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی دولتی و واحدهای تجاری، منعکس‌کننده محیط‌های متفاوتی است که سازمان‌ها در آن فعالیت می‌کنند. بعضی از تفاوت‌های محیطی اصلی عبارتند از:

اهداف سازمانی. هدف دولت عبارت از حفظ یا افزایش ثروت شهروندان از طریق ارائه خدمات عمومی مطابق با اهداف عمومی است. خدمات مهم عمومی قابل ارائه به وسیله دولت‌های ایالتی و محلی شامل سلامت عمومی، آموزش، بهداشت و حمل و نقل است. یکی از دلایل ارائه این خدمات توسط دولت این است که انگیزه‌های اقتصادی کافی وجود ندارد که واحدهای تجاری آن‌ها را با هزینه، مقدار و کیفیت متناسب با رویه عمومی اجرا کنند. هدف دولت‌ها کسب بازده سرمایه‌گذاری نیست، بنابراین آن‌ها نیاز به تدوین و گزارش سایر معیارهای برتر دارند.

معیارهای برجسته عملکرد واحد تجاری - یعنی سود خالص و درآمد هر سهم - در محیط دولتی بی معنی است. در مقابل، دولت‌ها علاوه بر ارائه کالاها و خدمات به افراد، شهروندان و سایر ذی‌نفعان، اطلاعات مورد نیاز را فراهم می‌کنند که آن‌ها را در ارزیابی دولت نسبت به دستیابی به اهداف خود یاری دهد.

واحد‌های تجاری برعکس دولت‌ها بر ایجاد ثروت تاکید دارند و فقط با سهامدارانی در ارتباط متقابل هستند که در کسب بازده سرمایه‌گذاری برای آن‌ها می‌کوشند. به صورت تاریخی، تاکید اولیه گزارشگری بر درآمدها و اجزای آن‌ها بوده است و تکیه کمتری بر معیارهای غیرمالی عملکرد شده است.

منابع درآمد. منبع اصلی درآمد دولت، وضع مالیات است که یک رویداد مالی اجباری قانونی بین شهروندان و واحد‌های تجاری با دولت‌هایشان است. منبع اصلی درآمد واحد‌های تجاری رویدادهای مالی اختیاری مربوط به تبادل بین خریداران و فروشندگان مایل و آگاه است.

رویدادهای مالی مربوط به مالیات‌ها، نیازمند حسابداری خاص می‌باشند. از آنجایی که ارزیابی و وصول مالیات‌ها از جمله رویدادهای مالی نیستند که در آن ارزش‌های یکسانی به‌طور منصفانه مبادله شود و فرایند وصول آن متفاوت است از فرایند درآمدی که بیشتر معاملات واحد‌های تجاری آن را طی می‌کنند، لذا نیازمند حسابداری خاصی می‌باشند. برای

نمونه، دولت‌ها مالیات بر اموال را در دوره‌ای قبل از دوره‌ای وصول می‌کنند که این مبالغ را به صورت قانونی به کار می‌برند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا دولت باید این مبالغ مالیاتی را به عنوان درآمد سالی ثبت کند که آن‌ها را وصول می‌کند یا سالی که آن‌ها را تخصیص و یا به کار می‌برد. هیئت استانداردهای حسابداری دولتی در رابطه با این موضوع بیان می‌کند که مالیات بر اموال باید به عنوان درآمد دوره تخصیص گزارش شود. این امر موضوع ارزیابی "حقوق بین دوره‌ای"^۳ را از طریق تخصیص هزینه خدمات به درآمدهای وصول شده جهت انجام آن خدمات به وجود می‌آورد.

عمر طولانی مدت. به دلیل قدرت مداوم وصول مالیات و به دلیل نیاز مستمر به خدمات عمومی، دولت‌ها به ندرت منحل می‌شوند. اگرچه امکان داشتن عمر طولانی برای دولت‌ها و واحد‌های تجاری باهم متفاوت است. واحد‌های تجاری در صورتی منحل می‌شوند که نتوانند برای دوره بلندمدت، محصولات و خدمات خود را به قیمتی بالاتر از بهای تمام شده آن‌ها بفروشند. به‌علاوه، واحد تجاری زمانی تصفیه می‌گردد که بواسطه واحد دیگری خریداری شود. صورت‌های مالی واحد‌های تجاری، معمولاً با فرض تداوم فعالیت تهیه می‌شوند، به این معنی که دارایی‌ها و بدهی‌ها به ارزش‌های انحلال نشان داده نمی‌شوند؛ اگرچه این امر نیز به معنای فرض عمر طولانی مدت نیست. استفاده‌کنندگان

صورت‌های مالی واحد‌های تجاری از صورت‌های مالی استفاده می‌کنند که مدت طولانی را ارزیابی می‌کند. در صورت‌های مالی واحد‌های تجاری، برگشت دارایی‌ها، مثلاً از طریق فروش‌های آتی و ارزش‌های منصفانه دارایی‌سی‌ها و بدهی‌های خاص تأکید می‌شود. برعکس، توانایی دولت‌ها برای تداوم فعالیت در آینده معمولاً با شک و تردید مواجه نیست، اما مسئله مهم، سطح خدمات ارائه شده و قدرت تأمین سطوح آتی نیازهاست. در نتیجه، تاکید دولت‌ها بر تخصیص منابع به برنامه‌های متفاوت دولت، تعیین بهای تمام شده خدمات و ارائه دیدگاه بلندمدت عملیاتی است.

بررسی بلندمدت فعالیت‌های دولت با توجه به روندهای عملیات و نه نوسان‌های کوتاه مدت مانند ارزش‌های منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌های خاص صورت می‌گیرد. شناخت فوری تغییرات در ارزش‌های منصفانه دارایی‌هایی که به طرح‌های مزایای کارمندان تخصیص داده می‌شوند، گزارشگری مناسبی در طرح‌های مزایای کارکنانی است که آن دارایی‌ها را نگهداری می‌کنند. هرچند این‌گونه نیست که کارفرمایان دولتی به تشخیص سریع تغییرات در ارزش‌های جاری و یا تغییرات در بدهی‌های معوق حاصل شده از تغییرات در مزایای کارمندان بپردازند. این نوسان‌ها در کوتاه مدت برآوردی از هزینه‌های مزایای کارمندان را ایجاد می‌کند که شامل هزینه خدمات است و تاثیر کمی

بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی می‌گذارد. گزارشگری مالی واحدهای بازرگانی (غیردولتی) به تشخیص سریع تغییرات صورت گرفته بر ارزش منصفانه می‌پردازند. زیرا این امر به تغییر در ارزش جاری واحد اقتصادی منجر می‌شود.

ارتباط با سهامداران. شهروندان باید مالیات‌ها را براساس تصمیمات نمایندگان انتخابی و یا شوراها پرداخت کنند و همانگونه که قبلاً بیان شد، مالیات‌های پرداخت شده ارتباط مستقیمی با خدمات دریافت شده ندارند. بنابراین، دولت‌ها باید استانداردهای پاسخ‌گویی را وضع کنند که بسیار گسترده‌تر از استانداردهای واحدهای تجاری است. به علاوه، شهروندان، علاقمند به ارزیابی حقوق بین‌دوره‌ای و مایل به تعیین این هستند که آیا مالیات‌ها و حق‌الزحمه‌های کسب شده از دوره‌های قبل یا آتی برای تأمین خدمات ارائه‌شده دوره جاری ضروری است. بنابراین، تأکید اصلی گزارشگری مالی دولتی ارائه سیستماتیک و منظم اطلاعات مربوط به بهای تمام شده خدمات است. علاوه بر این، استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی مایل به ارزیابی ترکیب مالیات‌ها، حق‌الزحمه‌ها و وام‌هایی هستند که برای تأمین مالی خدمات جاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. برعکس، از آنجایی که تأکید اولیه واحدهای تجاری بر بالابردن حقوق صاحبان سهام است، گزارش‌های آنها تغییرات در حقوق مالکانه شرکت را در طی دوره جاری نشان می‌دهد.

سهامداران شرکت‌های تجاری به استثنای آن‌هایی که دارای سهام عمده‌ای هستند، می‌توانند به‌سادگی ارتباط خود را با واحد تجاری از طریق فروش سهام خود قطع و بنابراین بر ارزش جاری و آتی هر سهم نظارت کنند. نقش بودجه. بودجه برای دولت‌ها از اهمیت قانونی خاصی برخوردار است. بودجه‌های دولتی بیانگر اولویت‌های سیاست عمومی و اهداف قانونی مصرف منابع عمومی می‌باشند. در واقع، شهروندان و نمایندگان انتخابی آنها می‌توانند از بودجه‌های دولتی جهت پاسخگو نگه داشتن مدیریت مالی دولت استفاده کنند. بودجه در واحدهای تجاری به مثابه ابزار داخلی مدیریت مالی است که به طور کلی از طریق مدیریت کنترل می‌شود.

بنابراین استانداردهای گزارشگری مالی و حسابداری جداگانه برای دولت‌ها ضروری است زیرا نیازهای استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی دولت‌ها و واحدهای تجاری متفاوت است. با توجه به محیط عملیاتی خاص دولت‌ها، آنها موظفند در مورد استفاده از منابع در اختیار خود، پاسخگو باشند و این تفاوت عمده بین دولت و واحدهای تجاری است. به‌رغم این‌که واحدهای تجاری درآمد خود را از محل تبادل اختیاری بین خریداران و فروشندگان آگاه بدست می‌آورند، دولت‌ها منابع خود را اصولاً از پرداخت‌های اجباری مالیات‌دهندگان کسب می‌کنند. مالیات‌هایی که به‌وسیله افراد پرداخت می‌شود معمولاً ارتباط مستقیم بسیار

کمی با خدمات دریافت شده آنها دارد. به طور کلی، تمرکز پرداخت‌کنندگان مالیات بر ارزیابی ارزش دریافتی حاصل از منابعی است که در اختیار دولت قرار داده شده است. هدف استانداردهای گزارشگری مالی و حسابداری دولتی به اطلاعات پاسخ‌گویی عمومی اشاره دارد که به سهامداران کمک می‌کند تا آنها موارد زیر را ارزیابی کنند. چگونه منابع عمومی خریداری و مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ آیا منابع جاری برای انجام خدمات جاری کافی هستند؟ آیا هزینه‌هایی به نسل‌های بعدی منتقل شده است و یا آیا توانایی دولت در ارائه خدمات بهبود یافته یا نسبت به سال گذشته بدتر شده است.

عمر دولت و نقش آن در نگهداری و افزایش ثروت شهروندان از دیدگاه خدمات عمومی نیز منجر به تقاضای اطلاعاتی متفاوت از اطلاعات واحدهای تجاری می‌شود. برای نمونه، دولت‌ها در محیط رقابتی فعالیت نمی‌کنند، به صورت اختیاری با مسائل انحلال و تصفیه مواجه نمی‌شوند و مالک یا سهامدار ندارند. در نتیجه، کاربرد ارزش منصفانه برای ارزیابی دارایی‌های سرمایه‌ای دولت دارای محدودیت است و تعیین سودخالص و درآمد هر سهم برای استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی دولتی معنی‌دار نیست. در مقابل، استفاده‌کنندگان نیاز به اطلاعاتی دارند که بتوانند نظارت دولت را بر منابع عمومی ارزیابی کنند. مثلاً اطلاعاتی در مورد اینکه کدام منابع برای خدمات خاص اختصاص داده شده‌اند و

عمومی است که از اهداف دولت می‌باشد. دارایی‌هایی مثل جاده‌ها، میدان‌ها، کتابخانه‌ها و پارک‌ها به صورت مستقیم کالا و خدمات عمومی را ارائه می‌کنند. انواع دیگر دارایی‌ها مثل سرمایه‌گذاری‌ها به صورت غیرمستقیم به ارائه کالاها و خدمات عمومی کمک می‌کنند به این صورت که آن‌ها وجه نقد مورد نیاز برای خرید کالاها و خدمات عمومی را فراهم می‌کنند.

برای واحدهای تجاری، تنها منافع آتی فراهم شده توسط یک دارایی، منافع اقتصادی آن است. توانایی یک دارایی به تنهایی یا به همراه سایر دارایی‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به کسب خالص جریان‌های نقدی آتی کمک می‌کند. با ادامه بحث در مورد چارچوب مفهومی، سایر تفاوت‌ها نیز آشکار خواهند شد.

تفاوت استانداردهای حسابداری

دارایی‌های سرمایه‌ای. همانطور که قبلاً ذکر شد، دولت‌ها سرمایه‌ای‌ترین دارایی‌ها را تحصیل می‌کنند و این به خاطر قدرت آن‌ها در ارائه خدمات به شهروندان است، درحالی که واحدهای تجاری دارایی‌های سرمایه‌ای را با هدف استفاده جهت کسب جریان‌های نقدی آتی کسب می‌کنند. در نتیجه، بیانیه شماره ۴۲ هیئت استانداردهای حسابداری دولتی "حسابداری و گزارشگری مالی برای کاهش ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای و پوشش‌های بیمه‌ای"^۷ روشی را برای ارزیابی و

اندازه‌گیری کاهش ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای توصیف می‌کند و دلیل آن این است که هدف دولت ارائه خدمات می‌باشد. برعکس، واحدهای تجاری کاهش ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای را به وسیله ارزیابی جریان‌های نقدی آتی مورد انتظار ارائه شده بواسطه دارایی اندازه‌گیری می‌کنند و دلیل آن این است که هدف واحدهای تجاری ایجاد ارزش است.

مالیات بر اموال. کسب درآمد
مالیات بر اموال، یک رویداد مالی منحصر به فرد برای دولت است و همانگونه که قبلاً ذکر شد، استانداردهای حسابداری وضع مالیات، باید مالیات بر اموال را به عنوان درآمد در دوره‌ای محسوب کنند که بهای خدمات ناشی از آن پرداخت می‌شود، و این مطابق با نیاز استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی دولتی است تا بتوانند حقوق میان‌دوره‌ای را ارزیابی کنند.

حسابداری حساب‌های مستقل
پاسخ‌گویی مالی برای فعالیت‌های دولتی به وسیله تهیه صورت‌های مالی به دست می‌آید که بر اندازه‌گیری جریان‌های منابع مالی جاری تاکید کند و با استفاده از مبنای تعهدی تعدیل شده حسابداری تهیه شده باشد. این نوع اندازه‌گیری بر کنترل و پاسخ‌گویی در مورد کسب و خرج پول‌های عمومی تاکید می‌کند. گزارشگری مالی در رابطه با حساب‌های دولتی به ذی‌نفعان اجازه می‌دهد تا بررسی کنند که آیا منابع کافی (وجه نقد و سایر دارایی‌های نقدی) برای تامین مالی فعالیت‌های دوره

جاری کافی است یا خیر. این ارزیابی مخصوصاً برای کسانی مفید است که مالیات پرداخت و خدمات دریافت می‌کنند. برای نمونه، پاسخ‌گویی مالی زمانی نشان داده می‌شود که دولت‌ها، صورت‌های مالی خود را بر مبنای نقدی تهیه کنند که نشان می‌دهد آیا منابعی که به دست آمده و مصرف شده، مطابق با بودجه قانونی و همچنین مطابق با سایر قوانین و الزامات قراردادی و مالی بوده است یا خیر. بیانیه شماره ۳۴ هیئت استانداردهای حسابداری دولتی "صورت‌های مالی اساسی و تجزیه و تحلیل مدیریت برای دولت‌های ایالتی و محلی"^۸ دولت‌ها را ملزم به گزارش ترازنامه، صورت درآمد‌ها، مخارج و تغییرات در مانده حساب‌های عمومی، سایر حساب‌های مهم دولتی و سایر حساب‌های دولتی به صورت تلفیقی می‌کند. دولت‌ها همچنین پاسخ‌گویی را از طریق گزارشگری حساب‌های امانی نشان می‌دهند که برای گزارش دارایی‌هایی است که به صورت امانت برای دیگران نگه داشته شده است و بنابراین نمی‌توان از آن‌ها برای حمایت از برنامه‌های دولت استفاده کرد. این حساب‌ها به عنوان بخشی از منابع در دسترس برای تامین مالی کالاها و خدمات گزارش نمی‌شوند بلکه به صورت جداگانه و جهت رعایت پاسخ‌گویی گزارش می‌شوند.

حقوق بازنشستگی و سایر مزایای آتی کارکنان.^۹ استانداردهای گزارشگری برای حقوق بازنشستگی و سایر مزایای آتی کارکنان برای دولت‌ها

و واحدهای تجاری شبیه هم هستند و مبنای آنها این است که این مزایا پاداش خدمات کارکنان است که به صورت معوق نگه داشته شده و باید در صورت‌های مالی بر مبنای تعهدی و زمانی به حساب گرفته شوند که این سودها کسب می‌شوند نه زمانی که پرداخت می‌شوند. علاوه بر این، دیدگاه هر دو مجموعه استاندارد، انتقال این منافع به دوره‌های آتی و استهلاك آن در مقابل هزینه خدمات گذشته است. اگرچه رویکردهای اندازه‌گیری مورد استفاده در بخش‌های خصوصی و عمومی متفاوت است و دلیل آن ریشه در محیط‌های مختلف و نیازهای اطلاعاتی متفاوت ذی‌نفعان دارد.

عمر طولانی دولت‌ها، اهمیت مربوط به هزینه خدمات و تمایل ذی‌نفعان به اندازه‌گیری حقوق میان‌دوره‌ای همگی بر استانداردهای هیئت استانداردهای حسابداری دولتی در تعریف حقوق بازنشستگی و سایر مزایای آتی کارکنان تاثیر می‌گذارند. حسابداری واحدهای تجاری برای حقوق بازنشستگی و سایر مزایای کارکنان در سراسر جهان عموماً به سوی اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه حقوق بازنشستگی یا دارایی‌ها و بدهی‌های سایر مزایای کارکنان حرکت می‌کند.

روش‌های حسابداری حقوق بازنشستگی در موسسات دولتی (با پذیرش اصول و استانداردهای سایر مزایای کارکنان) با حسابداری طرح‌های وجوه بازنشستگی و خصوصیات آن در واحدهای دولتی هماهنگی دارد.

استانداردهای حسابداری دولتی استفاده از هزینه‌یابی واقعی و روش‌های منقضي کردن براساس ارزشیابی واقعی را در جهت اهداف وجوه بازنشستگی مجاز می‌داند که این امر با توجه به اهداف حسابداری تعهدی نیز مناسب است. این روش بر مبنای تحقیقات انجام شده و ارتباط با استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در زمانی صورت گرفته که استانداردهای وجوه بازنشستگی به شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. از زمانی که راهکارهای وجوه دولتی به همراه عوامل حسابداری تعهدی در نظر گرفته شده است، شفافیت بیشتری نصیب استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی دولتی شده است.

کارفرمایان دولتی این عوامل را با توجه به تخصیص هزینه در دوره‌هایی در نظر می‌گیرند که هزینه به صورت درصدی از لیست حقوق و دستمزد اتفاق می‌افتد و این روش طرح‌های سودآور را میان نسل‌های مختلف پرداخت‌کنندگان مالیات سرشکن می‌کند.

تفاوت‌های بیشتر در استانداردهای حسابداری که منعکس‌کننده نیازهای متفاوت استفاده‌کنندگان است، برای نمونه عبارتند از تفاوت در مدل گزارشگری مالی، تعریف واحد گزارشگری، ساختار زیربنایی خدماتی، دارایی‌ها، کمک‌ها و هدایا و استرداد بدهی. بنابراین، نیازهای استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی دولتی به روش‌های مختلفی در استانداردهای حسابداری و

چارچوب مفهومی آن منعکس می‌شود. اگرچه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از اعضای مهم هر سازمان استانداردهای حسابداری هستند، چارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری دولتی در تعیین نیازهای اطلاعاتی شهروندان و نمایندگان منتخب - دوعضوی که از نظر هیئت استانداردهای حسابداری مالی واحد استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی واحد تجاری شناسایی نشده‌اند - پیش‌قدم هستند. در نتیجه، اهداف گزارشگری مالی هیئت استانداردهای حسابداری دولتی پاسخی عمومی را ارزیابی می‌کند تا مبنایی برای تعیین تدوین سایر اهداف گزارشگری مالی باشد.

بعضی از مهم‌ترین استانداردهای هیئت استانداردهای حسابداری دولتی که تفاوت‌های گزارشگری مالی تجاری و دولتی را نشان می‌دهد شامل موارد زیر است:

۱. اندازه‌گیری و شناخت انواع خاص درآمدها (برای نمونه، مالیات‌ها و امتیازها)

۲. سروری بر این‌که دارایی‌های سرمایه‌ای خدماتی را به شهروندان ارائه می‌کنند و در کسب وجوه نقد آتی نقشی ندارند.

۳. استفاده از حسابداری حساب‌های مستقل و گزارشگری بودجه‌ای در برآوردن نیازهای پاسخگویی عمومی.

۴. استفاده از تعریف اصول پاسخگویی به جای کنترل مالکی در واحد گزارشگری مالی.

۵. تخصیص حقوق بازنشستگی و سایر

مزایای آتی کارکنان به عنوان هزینه خدمات به دوره‌های قابل اجرا به صورت مساوی.

خوب است که در صورت لزوم، سازمان‌ها بتوانند در صورت لزوم، خدمات را به صورت مساوی ارائه دهند.

اگرچه در زمینه استانداردگذاری دولتی پیشرفت‌های زیادی حاصل شده ولی بازم نیاز به وضع استانداردهای اضافی برای دولت‌ها وجود دارد. برای نمونه، موارد مورد بحث فنی فعلی شامل پروژه‌های مربوط به اوراق بهادار مشتقه و تعهدات از بین بردن آلودگی‌ها است. پروژه اوراق بهادار مشتقه مورد بحث است تا مشخص کند که آیا زمانی که نرخ‌های بهره از حالت شناور به حالت ثابت تبدیل می‌شوند که امر بسیار متداولی در دولت می‌باشد، این اوراق باید به ارزش منصفانه در صورت‌های مالی نشان داده شوند؟ آیا حسابداری حفاظتی^{۱۱} (شناخت معوق تغییرات در ارزش منصفانه اوراق مشتقه خاص) باید مجاز شناخته شود و اگر چنین است کدام معیار باید در حسابداری حفاظتی مورد استفاده قرارگیرد؟ و آیا روش افشای اطلاعات جاری در رابطه با اوراق مشتقه کافی است. طرح تعهدات رفع آلودگی‌ها درصدد ارائه رهنمود یا پیشنهادی برای الزام رفع آلودگی است. مثل ارائه روشی برای اندازه‌گیری و گزارشگری این تعهدات در گام‌های مختلف طی یک تلاش پاکسازی.

طی چندسال اخیر، تعداد تحقیقات و پروژه‌های فنی بالقوه رشد کرده‌اند.

۶۲ تعداد پروژه‌های موجود در این طبقه‌ها

تقریباً ۲ برابر اقلام مورد بحث فنی فعلی است. بعضی از این پروژه‌ها و اهداف آن‌ها به طور خلاصه در ادامه توصیف شده‌است.

• طرح گزارشگری الکترونیک - جهت ارزیابی اثر بالقوه رسانه الکترونیکی بر اطلاع‌رسانی و نیازهای ذی‌نفعان.

• طرح پاسخ‌گویی در رابطه با حساب‌های امانی - جهت بررسی این‌که آیا رهنمود اضافه‌ای در مورد کاربرد معیار "مسئولیت امانی" در تصمیم‌گیری باید تدوین شود و آیا دولت باید فعالیت‌های سپرده‌ای (اعتباری) خود را (مانند طرح‌های منافع کارکنان و پیش‌پرداخت‌های ماهیانه) در گزارش‌های مالی نمایش دهد.

• طرح گزارشگری عملکرد مالی - جهت تعیین بهترین روش برای نشان دادن تغییرات در ارزش‌های منصفانه در صورت فعالیت‌ها، صورت درآمدها، هزینه‌ها و تغییرات در مانده وجوه نقد، صورت درآمدها، هزینه‌ها و تغییرات در دارایی‌های خالص نقدی و صورت تغییرات در دارایی‌های خالص امانی.

• طرح ترکیبات دولتی - برای تعیین الزامات گزارشگری مالی مربوط به حسابداری برای شرکت‌های تلفیقی و سایر اشکال ترکیبات غیرخریدی.

• طرح آورده غیرنقدی - جهت ارائه رهنمود حسابداری و گزارشگری مالی برای خدمات (کمک‌های) دریافت‌شده به وسیله دولت‌های محلی و ایالتی.

• روش حفظ طرح حسابداری - برای بیان این‌که اگر تغییرات گزارش شده در سطوح دارایی‌ها را بتوان با واحد پولی

عنوان کرد، بنابراین دارای ویژگی‌های کیفی لازم برای گزارشگری مالی هستند.

همچنین محیط فعالیت دولت‌ها نیاز به طرح‌های جدید را ایجاب می‌کند. دولت‌ها در ایالت متحده، جزء مهمی از اقتصاد را تشکیل می‌دهند. آن‌ها ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را کسب می‌کنند، ۱۲ درصد از نیروهای کار ملی را استخدام می‌کنند و بیش از ۱/۷ میلیارد دلار اوراق قرضه منتشر می‌کنند. مانند سایر بخش‌های اقتصاد، فعالیت‌ها و معاملات دولت‌ها نیز تغییر می‌کنند و اغلب به صورت پیچیده‌ای افزایش می‌یابند. برای نمونه، بعضی از دولت‌ها اخیراً اوراق قرضه‌ای منتشر کرده‌اند که درآمد آن از قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های بزرگ دخیانیاتی تامین می‌شود. این معاملات اغلب شامل ساختارهای قانونی پیچیده و جدید هستند. هیئت استانداردهای حسابداری دولتی بولتن فنی ۲۰۰۴-۱ را تحت عنوان "شناخت پرداخت‌های شرکت‌های دخیانیاتی و بیانیه واحد گزارشگری مالی"^{۱۱} را منتشر کرد تا حسابداری این معاملات را نمایش دهد. همزمان با این‌که دولت‌ها فعالیت‌های خود را در فروش و گرو گذاشتن انواع مختلف دریافتی‌ها و درآمدهای آتی گسترش داده‌اند، هیئت استانداردهای حسابداری دولتی ضرورت استانداردهای اضافه‌تر و گسترده‌تر را تشخیص داده‌است. طرح جامع فروش و گرو گذاشتن دریافتی‌ها و درآمدهای آتی منجر به طرح پیشنهادی در رابطه با

کرده تا با انتشار تعدادی از استانداردهای مهم، نیازهای استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی را تامین کند. اگرچه هیئت استانداردهای حسابداری دولتی در کار خود پیشرفت‌هایی حاصل کرده‌است ولیکن از آنجایی که دولت‌ها و محیط دولتی در طول زمان به‌صورت مداوم تغییر می‌کنند، نیاز مستمر به بروزآوری استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید می‌باشد.

من نوشته‌ها

- 1- Business enterprises
- 2- Accountability
- 3- Interperiod equity
- 4- GASB Concept Statement No.1 "objective of Financial Reporting"
- 5- GASB Concept Statement No.2 "Service efforts and accomplishment"
- 6- Trade Secrets
- 7- GASB Statement No.42 "Accounting and Financial Reporting For Impairment of Capital Assets and Insurance Recoveries"
- 8- GASB Statement No.34 "Basic Financial Statements - and Management's Discussion and Analysis - for State and Local Governments"
- 9- Pensions and other Post employment Benefits (OPEB)
- 10- Hedge Accounting
- 11- GASB Technical Bulletin 2004-1 "Tobacco Settlement Recognition and Financial Reporting Entity Issues"

سبع

این مقاله، ترجمه آزادی از مقاله زیر می‌باشد که توسط هیئت استانداردهای حسابداری دولتی ارائه شده‌است:

Why Governmental Accounting and Financial Reporting is , and should be, Different". www.gasb.org

* ...

دولت‌ها اساساً از جنبه‌های مختلف با واحدهای تجاری انتفاعی فرق دارند. آن‌ها اهداف، فرایند کسب درآمد، ذی‌نفعان، تعهدات بودجه‌ای و عمر متفاوتی دارند. این تفاوت‌ها نیاز به استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی متفاوتی را ایجاب می‌کنند تا بتوان اطلاعاتی را فراهم کرد که نیاز ذی‌نفعان برای ارزیابی پاسخ‌گویی دولت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برآورده سازد. اگرچه دولت‌های محلی و ایالتی در ایالت متحده حدود ۱۰۰ سال است که استانداردهای جداگانه‌ای دارند، گاهی این سؤال مطرح می‌شود که چرا دولت‌ها نمی‌توانند به سادگی استانداردهای تدوین شده برای واحدهای تجاری را به کار برند.

استانداردهای گزارشگری مالی و حسابداری جداگانه برای دولت‌ها ضروری است زیرا نیازهای استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی دولت‌ها و واحدهای تجاری متفاوت است. نیازهای استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی دولتی به روش‌های مختلفی در استانداردهای حسابداری و چارچوب مفهومی آن منعکس می‌شود. در نتیجه، اهداف گزارشگری مالی هیئت استانداردهای حسابداری دولتی پاسخ‌گویی عمومی را ارزیابی می‌کند تا مبنایی برای تعیین تدوین سایر اهداف گزارشگری مالی باشد.

از ابتدای سال ۱۹۸۴، هیئت استانداردهای حسابداری دولتی تلاش

این موضوع در سپتامبر ۲۰۰۵ شد. با پیچیده‌تر شدن معاملات دولتی و این واقعیت که محیط‌های دولتی در حال تغییر هستند، مانند رشد تعداد واحدهای مستقل بین سطوح مختلف دولت، انتظار می‌رود تعداد تحقیقات و پروژه‌های بالقوه در آینده افزایش یابند.

به‌طور خلاصه از ابتدای سال ۱۹۸۴، هیئت استانداردهای حسابداری دولتی تلاش کرده تا با انتشار تعدادی از استانداردهای مهم، نیازهای استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی را تامین کند. اگرچه هیئت استانداردهای حسابداری دولتی در کار خود پیشرفت‌هایی حاصل کرده‌است ولیکن نیاز به تدوین و بهبود استانداردهای حسابداری برای دولت‌ها هنوز وجود دارد. برای نمونه، اجزای اضافه شده به چارچوب مفهومی هنوز وجود دارند که تداوم در تدوین استانداردهای دولتی را الزامی می‌کند. به‌علاوه، در مورد انواع مختلفی از رویدادهای مالی مانند رویدادهای مربوط به اوراق مشتقه و دارایی‌های نامشهود، استاندارد وجود ندارد و یا استانداردهای موجود مربوط جامع نیستند. تحقیقات هیئت استانداردهای حسابداری دولتی همچنین شامل طرحی برای نشان دادن راه‌های بیشتری برای اطلاع‌رسانی نتایج فعالیت‌های دولت می‌باشد. نهایتاً این که دولت‌ها و محیط دولتی در طول زمان به صورت مداوم تغییر می‌کنند و در نتیجه، نیاز مستمر به بروزآوری استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید می‌باشد.